

# علماء فاسد دینی حجاب شدند و عزّت

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (71) امر و خلق - جلد 3

## ۷۱ - علماء فاسد دینی حجاب شدند و عزّت از ایشان سلب گردید

از حضرت نقطه در صحیفه العدل است قوله الاعلی: هر گاه علماء اعراض ازین حکم نمینمودند ظلمی بر احدی واقع نمیشد و حال آنچه واقع میشود ظلم آن بر ایشان است الی یوم المعاد .

و در بیان است . قوله الاعلی: نیکو درجه است درجه علم و اگر علم بمن یظهره الله و رضای او باشد و الا بدترین درجات است عند الله و عند کل شیئی که اگر بکلمه نمیدانست بهتر بود از برای او تا آنکه علم بکل شیئی داشته باشد و علم بمن یظهره الله نداشته باشد .

و در اقدس است قوله الاعلی: من الناس من غرته الملوّم و بها منع عن اسمی القيوم و اذا سمع صوت النعال عن خلفه یری نفسه اکبر من نمروذ قل این هو یا ایها المردود تالله انه لفی اسفل الجحیم ... یا قوم انا قدرنا العلوم لعرفان المعلوم احتجبتم بها عن مشرقها الذی به ظهر کل امر مکنون ... یا معشر العلماء لما نزلت الآیات و ظهرت الیّنات رأینا کم خلف الحجبات ان هذا الا شیئی عجّاب قد افتخرتم باسمی و غفلتم عن نفسی اذ اتی الرحمن بالحجة و البرهان انا نخرقنا الاجاب ایاً کم ان تحجبوا الناس بحجاب آخر کسروا سلاسل الاوهام باسم مالک الانام و لا تكونن من الخادعین اذا اقبلتم الی الله و دخلتم هذا الامر لا تفسدوا فیه .



ORIGINAL

و در لوحی از حضرت بهاء الله است قوله الامنع : قل يا قوم قد ظهر الموعد اذ اتى الميقات الى متى تتبعون مطالع الظنون و تعقبون مشارق الاوهام ان اخرجوا الحجاب الاكبر باسم مالك القدر ثم تقربوا بهذا البحر الذى جعله الله مبداء البحار انا نشكوا اليك من مظاهر العلم انهم منعوا العباد عن مالك الایجاد بعد الذى خلقوا بهذا الذكر الذى به اشرقت الاذكار فاسأل الله بان يطهر الارض من هؤلاء كما طهر من وجودهم اكثر الديار ثم يا معشر العلماء لا ترون بعد اليوم لانفسكم من عز لاننا اخذناه منكم و قدرنا للذين آمنوا بالله الواحد المقتدر العزيز المختار .

و در لوحی دیگر قوله الارفع الاجلى : يا معشر العلماء انتم قطع طرق الله و سبله و مضل عباده اتقوا الرحمن و لا تسدلوا عن وجه الانصاف قناع الاعتساف و لا على هذا السماء برقع السبجات سوف تعضى الايام و ترون انفسكم فى موقع السؤال بين يدي الله الغنى المتعال

و در کتاب بدیع است قوله الابدع : در جمیع ظهورات اول معرض علماء عصر بوده اند چه اگر علماء انكار حق الله نمینمودند احدی اعراض نمینمود و آنچه فساد در ارض شده از انكار علماء بوده چنانچه تصریحاً میفرماید عز ذکره و اول من احتجب عن نقطة البيان ادلاء العلم عند انفسهم و لكنهم عند الله لا يدركون و لا يتعقلون این است که عند الله ان نفوس از اهل علم محسوب نه .

و در لوحی است قوله الاعز الارفع : بسمی الذی به اشرق نیر التوحید یا ابا القاسم ندای مظلوم را بگوش جان بشنو این ایام فی الجملة اوهاماتی بمیان آمده از حق بطلبید حزب خود را حفظ نماید حزب قبل هر یوم بیادی ظنون هیکی از وهم ترتیب میدادند و رکن رابعش مینامیدند و یا اسمای آخری سبحان الله انسان متحیر است از اقوال و اعمال آن حزب هر یوم اجتهادی مینمودند و عرفانی ذکر میکردند بالاخره عرفان منتهی شد باینکه یومی از ایام این مظلوم قبل از بلوغ در مجلسی وارد مشاهده شد دو نفس با عمامه های کبیر از برای یکی از مخدرات خلف حجاب معارف و مراتب علوم خود را ذکر مینمودند تا آنکه یکی از آن دو ذکر نمود باید بدانیم جبرئیل بالاتر است یا قنبر عباس بالاتر است یا سلمان این مظلوم متحیر بعد از چند دقیقه ذکر شد یا ملا اگر جبرئیل آن است که میفرماید نزل به روح الامین علی قلبک آنجا آقای قنبر هم تشریف نداشت باری آن ایام این مظلوم بر مظلومیت خاتم انبیاء نوحه نمود و قلم گریست گریستی که ملاء اعلى گریستند و اصحاب جنت علیا صیحه زدند از حق میطلبیم این حزب را از امثال این ظنون و اوهام حفظ فرماید و بر صراط مستقیم مستقیم دارد انه هو القوى الغالب القدير

و در لوح خطاب به نصیر است قوله عز و علا : در ظهور اولم که به اسم علی علم در مابین آسمان و زمین ظاهر شد و کشف حجاب فرمود اول علمای عصر بر اعراض و اعتراض قیام نمودند اگر چه اعراض امثال این نفوس بر حسب ظاهر سبب اعراض خلق شد ولکن در باطن خلق سبب اعراض این نفوس شده اند مشاهده کن

که اگر ناس خود را معلق برد و قبول علماء و مشایخ نجف و دونه نمیساختند و مؤمن بالله میشدند مجال اعراض از برای این علماء نمیماند چون خود را بی مرید و تنها ملاحظه مینمودند ... اگر فضل انسان به عمامه میبود باید آن شتری که معادل الف عمامه بر او حمل میشود از اعلم ناس محسوب شود و حال آنکه مشاهده مینمائی که حیوان است و گیاه میطلبد زنهار بمظاهر اسماء و هیاکلی که خود را به عمام ظاهریه و البسه زهد میآریند از حق ممنوع مشو و غافل مباش .

و در لوح برهان است قوله عظم برهانه : يا معشر العلماء هذا يوم لا ينفعكم شيئاً من الاشياء ولا اسم من الاسماء الا بهذا الاسم الذي جعله الله مظهر امره و مطلع اسمائه الحسنی لمن فی ملکوت الانشاء نعیماً لمن وجد عرف الرحمن و كان من الراشخین و لا یغنیکم الیوم علومکم و فنونکم و لا زخارفکم و عزکم دعوا الکل ورائکم مقبلین الی الکلمة العلیاء التي بها فصلت الزبر و الصحف و هذا الکتاب المبین یا معشر العلماء ضعوا ما القتموه من قلم الظنون و الاوهام تالله قد اشرق شمس العلم من افق الیقین ... قد أخذ عزک و عز امثالک و هذا ما حکم به من عنده أم اللواح ... یا معشر العلماء بکم انحط شأن الملة و نکس علم الاسلام و ثل عرشه العظیم کلها اراد ممیز ان یتمسک بما یرتفع به شأن الاسلام ارتفعت ضوضاؤکم و بذلك منع عما اراد و بقی الملک فی خسران مبین .

و در لوحی دیگر خطاب به جناب عبدالحمید قوله الاصفی الاحلی : هو الخیر الخیر حدیث کذب مجدد شد اهل ضغینه و بغضاء در صدد دوستان الهی افتادند و در اضلال ناس جهد بلیغ نموده و مینمایند سالها باسم جابلقا و جابلصا و ناحیه مقدسه ناس را فریب دادند و گمراه نمودند حال اقل من آن تفکر نموده و نمینمایند که حاصل فرقه شیعه چه بوده و هست و عنقریب در آن مقرریابند ناعقین از هر گوشه به نعیق مشغول تازه بر منبر میروند ، باری هزار و دویست سال دیگر اراده نموده اند باسم وصی و ولی و نقباء و نجباء خلق بیچاره را ببئس المصیر دعوت فرمایند .

و در لوحی دیگر خطاب به سید فرج کاشان قول عظمت بیاناته : قلم اعلی بقدرت اصبع مالک اسماء بعضی از حجیات را خرق نمود و شق فرمود و لکن مطالع بغضاء بکمال سعی و اجتهاد به نسج حجیات مشغول اند ... با عمامه های بیضاء و خضراء به مدن و دیار میدوند و در اضلال ناس بهیچوجه کوتاهی ننموده و نمینمایند و در تعمیر مدن و دیار جعلیه مشغول اند اراده ساختن ناحیه هم دارند دوستان را تکبیر برسان بگو امروز روز استقامت است مبادا مثل حزب شیعه به فریب ارباب عمام از بحر عنایت و فرات رحمت محروم مانید در حفظ عباد همت لازم سبحان الله سبب و علت منع عباد از افق اعلی علمای عصر بودند این فقره بر کل واضح است در اول بسب و لعن مشغول و بالاخره کل فتوی برقتلش دادند الا لعنة الله علی القوم الظالمین .

و قوله الاجل : هر قولی را تصدیق نمائید و از هر نفس مطمئن مشوید چه که گمراهان بآداب انسان خود را مینمایند و میربایند چه که اگر بما فی قلوبهم ظاهر شوند احدی اقبال ننماید در گمراهان قبل ملاحظه نمائید با

عمامه‌های بیضاء و حمراء و تسبیح و رداء و زهد و ریا عباد الله را به اوهامی مبتلا نمودند که در یوم جزا کل بر سید عالم فتوی دادند .

و قوله الاعتر: عمامه و رداء سبب هلاکت قوم شد عباد بیچاره از آن انفس غافله پذیرفتند آنچه را که سبب گمراهی شد و در یوم جزا نتیجه آن شد که دیدند و شنیدند علمای ایران طراً در سنین اولیه بسب مقصود عالمیان مشغول عمل نمودند آنچه را که هیچ حزبی عمل نمود و وارد آوردند آنچه را که هیچ نفسی ارتکاب نمود . حنین اشیاء مرتفع و زفرات ملأ اعلی متصاعد قلم نوحه مینماید و ذکر میکند لوح میگرد و حمل مینماید از حق بطلب صبر عطا فرماید و دانائی بخشد آگاهی عنایت نماید .

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است قوله العزیز: اعمال بعضی از پاپ‌ها را بشریعت حضرت مسیح تطبیق کنیم حضرت مسیح گرسنه و برهنه در این بریه گیاه میخوردند و راضی بر این نشدند که خاطر کسی آزرده شود پاپ در کالسکهٔ مرصع نشیند و در نهایت عظمت به جمیع لذائد و شهوات وقت گذراند که ملوک را چنین نعمت و خود پرستی میسر نه ... بعضی از پاپ‌ها نفوس کثیرهٔ بی‌گناه را کشتند ... و به جهت عدم موافقت رأی ، هزاران خادمان عالم انسانی اهل معارف را که کشف اسرار کائنات کردند زجر کردند حبس و محو نمودند و چقدر معارضه به حقیقت نمودند ... مقصود این است که وصایای مسیح چیز دیگر و اطوار حکومت پاپ چیز دیگر ابدأ با هم مطابق نیست به بینید که چقدر از پروتستانها را کشتند ... و در میان پاپ‌ها نفوس مبارکی نیز بودند که بر قدم مسیح حرکت نمودند ... وقتی که اسباب سلطنت فراهم آمد و عزت و سعادت دنیوی حاصل گشت حکومت پاپ مسیح را به کلی فراموش نمود و بسطنت و عظمت و راحت و نعمت دنیوی پرداخت قتل نفوس کرد و معارضه به نشر معارف نمود ارباب فنون را اذیت کرد و نور علم را حائل گشت و حکم قتل و غارت نمود و هزاران نفوس از اهل فنون و معارف و بی‌گناهان در سجن رومیه هلاک گشتند ... کرسی حکومت پاپ همیشه معارضه به علم نمود حتی در اروپا مسلم شد که دین معارض به علم است و علم مخرب بنیان دین .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز: رساله سیاسیّه که بیست سال پیش تألیف شده و در بدایت سلطنت مظفرالدین شاه به خط مشکین قلم در بمبئی طبع و نشر گشته البته این رساله را مطالعه فرمائید در آنجا به طراحت منصوص است که اگر علماء دین مداخله در امور سیاسی نمایند یقین بدانید که نظیر ایام شاه سلطان حسین و زمان فتحعلی شاه و اواخر عبدالعزیز خان عثمانی گردد در واقعه اولی ایران را افغان ویران کرد در واقعه ثانیه نصف ایران بباد رفته در واقعه ثالثه نصف مملکت عثمانی بهدر رفت و بقدر ده کرور نفوس تلف و بی‌سر و سامان شدند و مجبور به هجرت گردیدند ولی با وجود این صراحت و این برهان قاطع کسی گوش نداد باز مانند دم پیروی ثعالب نمودند و آیات متشابههٔ غیر باهره و حجج غیر بالغه یعنی علمای رسوم پیروی نمودند ایران

را ویران کردند و از کوکب درخشندهٔ ایران غافل مظهر یخربون بیوتهم بایدیهم شدند کما قال الشاعر : اذا کان الغراب دلیل قوم فیدیهم الی جیف الکلاب

باز ایرانیان بیدار نمیشوند به خواب خرگوشی مبتلا هستند .

و در رسالهٔ سیاسیّه است قوله المبین : و همچنین در زمان سرّ وجود جمال موعود مؤید به مقام محمود حضرت رسول علیه السلام ملاحظه نمائید معترضین و محترزین معاندین و مکابرن علمای یهود و رهبان عنود و کهنهٔ جهول حسود بودند مثل ابوعامر راهب و کعب بن اشرف و نضر بن حارث و عاص بن وائل و حی بن اخطب و امیّه بن هلال این پیشوایان امتّ قیام بر لعن و سب و قتل و ضرب آن آفتاب مشرق نبوت نمودند و چنان طغیان در اذیت شمع انجمن عالم انسان داشتند که ما اوذی نبیُّ بمثل ما اوذیتُ فرمودند و لسان بشکوه گشودند پس ملاحظه نمائید که در هر عهد و عصر ظلم و زجر و حصر و جفای شدید و جور جدید از بعضی علمای بیدین بود و اگر چنانچه حکومت تعرّضی کرد و یا تعرّضی نمود جمیع به غمز و لمز و اشاره و همز این نفوس پر طغیان بود و همچنین در این اوقات اگر بنظر دقیق ملاحظه نمائید آنچه شایع و واقع از اعتساف علمای بی انصافی بوده که از تقوای الهی محروم از شریعت الله مهجور و از نار حقد و نیران حسد در جوش و خروشدند .